



۲۰۱۶/۱۰/۲۸



م. نسیم اسیر
ملک الشعراى افغان ها در هجرت

دنیای کور!!

این منظومه در دوران امارت کور مزاج طالبان سروده شده است که تمام مصالح دولت و مردم را با یک چشم و از نگاه بنیاد گرایی می دیدند که تخطی از آن با شدید ترین عکس العمل رو برو می شد. متأسفانه سقوط طالبان و هجوم ممالک مختلف جهان، در رأس امریکا دردی را دوا نکرد، بلکه به دردها افزود که تا هنوز ادامه دارد و نا آرامی ها و کشتار ها دامنگیر کشور و مردم صبور ما می باشد :

همه گر چشم بود تا به ثریا، کور است
پای تا سر همه معیوب و سرا پا کور است
با چنین کم نظری ها، همه گویا کور است؟؟
آخر این بی ادب بادیه پیما کور است
گر کند جاهلی در راه تو دعوا کور است
حیف از آن چشم که در حل معما کور است
بس کج افتاده ره و چشم و دل ما کور است
در پی دیدن حق، جملهٔ اعضاء کور است
زانکه امریکه سیه کار و اروپا کور است
عجمی ها همه سفاک و عربها کور است
سرنگون باد که این تیره دل، اصلاً کور است

ای وطن! برسر تو، دیدهٔ دنیا کور است
تو بخون غوطه وری، کس به تو رحمی نکند
دست و پای تو شکسته است و نمی بیند کس
پیشگام تو بود بادیه پیمایی چند
سبب بی خبری ها، مرض نادانیت
زخم خونین تو پیچیده معمایی هست
رهرو راه حقیقت شدن، آسان نبود
در حریم حرم پاک تو، ناپاکی هاست
آسیا مهد جفا ها شد و افریقا نیز
سبب خون دل تو، عربی و عجمیت
همجوار دگر تو به خدا ناپاکست

همنشین درد مرا هیچ نمی داند « اسیر »
یا ز من بیخبر افتاده دلش، یا کور است

م. نسیم «اسیر» ۱۵ اگست ۹۹م، بن المان